

«غایی - ابزاری» اثبات می‌شود. ثانیاً، اگر سیاست به منزلهٔ عبد است و شریعت به منزلهٔ مولا، پس عبد خادم است و تابع. ثالثاً، اگر شریعت بسان روحی ثابت و غایت است، سیاست به منزلهٔ پیکری متغیر است و ابزار و زمینه‌ساز.

گزارشگر: محمدباقر محمدی‌منور

عقل یا وحی کدام معتبر است؟

علی افضلی، حمیدرضا آیت‌اللهی و رضا برنجکار

ایران، ش ۳۲۰۳، ۱۶/۲/۱۳۸۸

این گفت‌وگو با عنوان «جایگاه عقل و نقل در معارف اعتقادی» است که آقایان افضلی، آیت‌اللهی و برنجکار به اظهار نظر در این مورد پرداخته‌اند.

به نظر آقای افضلی وحی در مسائل نظری، هم به مثابه منبع معرفتی، هم قابل فهم می‌باشد. به گونه‌ای که می‌توان آموزه‌های معرفتی را از آن استخراج نمود و نظریات مختلف معرفتی را جهت سنجش به آن عرضه داشت. و این نیز نه صرفاً به نحو استشهادی که با مراجعه مستقیم به خود آیات و روایات در نظام وحی، می‌توان مسئله مورد نظر را تبیین و پاسخش را دریافت نمود.

آقای برنجکار که سخنران دیگر این نشست بود، اظهار داشت که در مسئله فوق‌الذکر سه دیدگاه وجود دارد:

۱. این دیدگاه معتقد است که عقل تنها منبع معتبر در ارائه نظام معرفتی است؛
۲. دیدگاهی که قایل به تعطیلی عقل است و وحی را تنها منبع معرفتی می‌داند؛
۳. دیدگاهی که هم عقل و هم وحی را در بررسی مسائل اعتقادی دخیل می‌داند با این ویژگی برای کارکرد هر کدام از آن دو، حد و مرزی قایل است و معتقد است عقل تا مرحله‌ای پیش می‌رود و از آن پس پی‌گیری مسئله را به وحی می‌سپارد. به نظر وی این مرزبندی مهم‌ترین اشکال این نظریه می‌باشد، و به همین خاطر خود وی به تعامل عقل و وحی در تمام زمینه‌ها قایل است، بدون اینکه برای هر کدام مرز مشخصی را در نظر بگیرد و از این تعامل است که معارف صحیح اعتقادی متولد می‌شود.

در ادامه آقای آیت‌اللهی دیدگاه خود را در موضوع یاد شده چنین اظهار کرد که مراد از عقل در این بحث عقل فلسفی، یا عقل ریاضی دکارتی که همه چیز را با اثبات قطعی و به دور از خطا می‌رساند نیست، همان‌گونه که عقل برهانی که از مقدمات یقینی و ضروری به نتیجه یقینی دست می‌یابد، نیز نمی‌باشد. بلکه مراد از مسائل عقلی، آن مسائلی است که هر گاه فرد متعارف با آنها مواجه می‌شود، می‌شود قبول کند. بنابراین هر چند برای مسائل اعتقادی و غیر آن استدلال عقلی به معنای فلسفی آن مطالبه نمی‌کنیم، اما صفت «عقلانی» در سطح

بازتاب اندیشه ۱۰۹۱۱۴

۲۰۸

گزارش‌ها

دیگری بر آنها صادق است. بدین سان با فروکاستن توقعات از عقل، جا برای داد و ستد دوجانبه با نقل باز می‌شود. بدین ترتیب تصویری عام و متعارف از عقل ترسیم می‌کند که هم خطاپذیری دارد و هم دارای کمبودهایی است و از برخی امور ادراک ندارد. به نظر ایشان عقل و نقل در تدوین معارف اعتقادی کارکردهای متقابلی دارند که در جهات گوناگونی همدیگر را یاری می‌کنند. از جمله نیازهایی که عقل به نقل دارد این است که:

۱. عقل در تبیین مسائل تفصیلی به نقل نیازمند می‌باشد و این نیازمندی نیز به حکم خود عقل است. به عنوان مثال عقل حکم می‌کند که انسان را خدایی باید، تا به او دلبستگی داشته و ستایشش نماید، اما اینکه این خدا چگونه موجودی است و چه صفاتی دارد و... تفصیلاً از نقل استخراج می‌شود.

۲. در مسائلی که عقل راهی نتوانسته بگشاید و چیرگی نمی‌داند، نقل، عقل را در چنین مسائلی به تأمل و کاوش فرامی‌خواند و توجه آن را بر می‌انگیزد.

۳. نقل، برخی واقعیت‌های مجهول برای عقل را بیان می‌کند مانند برخی از مسائل خاص معاد.

۴. نقل، برخی محورهای اصلی برای جهت عقل را نشان می‌دهد.

از طرف دیگر عقل نیز در قبال نقل کارکردهای خاصی دارد از قبیل:

۱. کارکرد لغوی و معناشناختی و اینکه کلام وحی چه دلالت یا دلالت‌هایی دارد.

۲. کارکرد زبان‌شناختی، مثلاً بیان رابطه معنا و مصداق در کلام وحی و...

۳. کارکرد هرمنوتیکی و اینکه چه اموری در فهم وحی و تفسیر وحی دخالت می‌کند.

۴. اجتهاد به معنای مقابل عقل و نقل جهت فهمیدن واقعیت احکام، روزآر سازی نقل و...

مژارشهر: عبدالله مصباحی

انگیزه و روش‌های ایجاد آن در مدیریت با رویکرد دینی

علی اکبر بخشی

معرفت، ش ۱۳۷، اردیبهشت ۱۳۸۸



در مدیریت رفتار سازمانی و منابع انسانی، ایجاد انگیزه به دلیل نقش بی‌بدیل خود، در برابر سایر عوامل و وظایف جایگاه ویژه‌ای دارد. از این رو، صاحب‌نظران از گذشته تاکنون با رویکردهای متفاوت و در سیری تکاملی به شناسایی عوامل شکل‌دهنده رفتار، به ویژه انگیزه‌های درونی و نیز فرآیند انگیزش افراد و چگونگی ایجاد انگیزه پرداخته‌اند، اما به دلیل ضعف در نگرش انسان‌شناسانه خود و عدم توجه جامع به انگیزه‌های انسان و تفاوت نیازهای افراد گوناگون و تغییر در برخی نیازها با گذشت زمان، هر یک به جنبه‌های خاصی از موضوع پرداخته‌اند. در نگرش اسلامی، خلأ اساسی در نظریه‌های ارائه شده، عدم توجه لازم به انگیزه‌های معنوی و بی‌نهایت انسان در فرآیند تکاملی فردی و اجتماعی‌اش، به ویژه